

Research Article

A Comparative Study of the Marxist Components of Jani Gal by Ebrahim Ahmad and the Daughter of a Peasant by Mahmoud Etemadzadeh

Bahar Kazemi*¹, Badrieh Ghavami²

Abstract

Among the interdisciplinary research, sociology of literature one of the new approaches toward literary criticism, which analyzes and examines the issues of society in literary work and deals with the interaction of society and literature. Among criticism school, the history of Marxist belong 20 th century. In this type of criticism, the relationship between society and literature is discussed and literature is analyzed based of historical condition, in which, is created. As a result, knowledge Marxist criticism is essential. After World War (I) and the occupation of Iran, Iraq and the Kurdistan in Iraq region by the allied forces, Marxism and Russian communism dominated Persian and Kurdish literature and their authors are influenced by the challenges in society of Iran and Iraqi Kurdistan during and after war, as well as their influence from Marxist and communist currents, provide this context to examine the works of Persian and Kurdish literature's writers and their influence from these currents, In this research, the novel Daughter of a Peasant by Mahmoud Etemadzadeh and Jani Gal by Ebrahim Ahmad, wich are among the first social realist stories in Persian and Kurdish literature, has been studied. The study is based on the Marxist school and Marxist criticism and its components. The results indicate that the political and social conditions of the time of both authors had an impact on their works and these works were a mean of expressing their thoughts and ideology, which are Marxist- socialist thoughts.

Keywords: Contemporary literature, Kurdish Literature, Marxist Criticism, Jani Gal, Daughter of a Peasant

1. ph.D, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature ,Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Correspondence Author: Badrieh Ghavami

Email: Badrieh.Ghavami@iau.ac.ir

DOI: 10.30495/clq.2022.1961533.2437

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مارکسیستی رمان ژانی گل اثر ابراهیم احمد و دختر رعیت اثر محمود اعتمادزاده

بهار کاظمی*^۱، بدریه قوامی^۲

چکیده

از میان پژوهش‌های بین رشته‌ای، جامعه‌شناسی ادبیات یکی از رویکردهای نوین نقد ادبی است که مسائل جامعه در اثر ادبی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و به تعامل جامعه و ادبیات می‌پردازد. از میان شیوه‌های نقد، تاریخ نقد مارکسیستی را می‌توان متعلق به قرن بیستم دانست؛ در این نوع نقد از ارتباط جامعه و ادبیات سخن به میان می‌آید و ادبیات را بر اساس شرایط تاریخی پدید آورنده آن تحلیل می‌کند، بنابراین برای نقد مارکسیستی شناخت زمینه تاریخی آن نیز ضرورت دارد. بعد از جنگ جهانی اول و اشغال ایران و عراق و منطقه کردستان عراق توسط نیروهای متفقین، جریانی بر ادبیات فارسی و کردی مسلط می‌شود و نویسندگان آن‌ها را تحت تأثیر مارکسیسم و کمونیسم روسیه قرار می‌دهد. مشکلات جامعه ایران و کردستان عراق در خلال و بعد از جنگ جهانی اول و نیز تأثیرپذیری آن‌ها از جریان‌های مارکسیستی و کمونیستی این زمینه را فراهم می‌کند که به بررسی آثار نویسندگان ادبیات فارسی و کردی و تأثیرپذیری آن‌ها از این جریانات پرداخته شود. در این پژوهش رمان دختر رعیت اثر محمود اعتمادزاده و ژانی گل اثر ابراهیم احمد که می‌توان گفت هر دو اثر در ادبیات فارسی و کردی جزو نخستین داستان‌های واقع‌گرای اجتماعی هستند بر اساس مکتب مارکسیست و نقد مارکسیستی و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان

۱. دانش آموخته‌ی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

ایمیل: Badrieh.Ghavami@iau.ac.ir

نویسنده مسئول: بدریه قوامی

می‌دهد که اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان هر دو نویسنده بر آثار آنان تأثیرگذار بوده و این آثار وسیله‌ای برای بیان افکار و ایدئولوژی آن‌ها یعنی همان افکار مارکسیستی - سوسیالیستی بوده است.

واژگان کلیدی: ادبیات معاصر، ادبیات کردی، نقد مارکسیستی، ژانی گل، دختر رعیت

۱. مقدمه

بهترین فرم ادبی که می‌تواند جامعهٔ زمان خود را به تصویر بکشد رمان است، زیرا در رمان فرصت توصیف جریان‌های اجتماعی - سیاسی در جامعه بیشتر است. «رمان اصلی‌ترین شکل ادبی همخوان با جامعهٔ بورژوازی است و تحول آن با تاریخ این جامعه پیوند تنگاتنگی دارد» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۱۸۲) نقد ادبی این امکان را برای ما فراهم می‌آورد که آثار ادبی دنیا را همچون؛ رمان، داستان کوتاه و... را بر طبق معیارهای برتر دنیا که به منظور تحلیل و ارزیابی متون بر طبق آموزه‌ها و افکار در دنیا استخراج شده تحلیل و بررسی کنیم. نقد مارکسیستی در قرن بیستم به طور جدی در عرصهٔ نقد ادبی مطرح شد. در این نوع نقد از ارتباط جامعه و ادبیات سخن به میان می‌آید. در قرن بیستم، مارکسیست‌ها نظریهٔ ادبی وحدتمندی را به ضابطه درآوردند و در آن غالباً به نحوی دلخواه به این یا آن مرحله از تطور فکری مارکس^۱ و انگلس^۲ متوسل شده‌اند، اما ریشه‌های این نظریه را باید در آلمان دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ یافت. (ولک، ۱۳۷۵: ۳۱۲) «نقد مارکسیستی، ادبیات را، بر اساس شرایط تاریخی پدیدآورندهٔ آن تحلیل می‌کند، بنابراین برای شناخت خود این نقد، شناخت زمینهٔ تاریخی آن نیز ضرورت دارد.» (ایگلتون، ۱۳۵۸: ۷)

ابراهیم احمدبگ، نویسنده، شاعر، سیاستمدار، حقوقدان، روزنامه نگار و محقق کُرد، در بهار ۱۹۱۴ در سلیمانیهٔ عراق به دنیا آمد. (قادر مام صالح، ۱۳۹۸: ۱۷) پس از شکست جمهوری مهاباد و انحلال حزب دموکرات کردستان ایران، ابراهیم احمد مسئول شاخهٔ حزب دموکرات کردستان عراق در سلیمانیه شد. او سپس در کرکوک «حزب دموکرات کردستان عراق» را تأسیس می‌کند، بعد از اختلافاتی که با ملا مصطفی بارزانی پیدا می‌کند به ایران فرار می‌کند و سپس به لندن تبعید می‌شود و در سال ۲۰۰۰ در سن ۸۶ سالگی از دنیا می‌رود. (همان، ۱۷-۳۲) ابراهیم احمد در آغاز کار ادبی خود یک نویسندهٔ رمانتیک انقلابی بود لیکن کم‌کم برخورد با واقعیات زندگی و درک حقایق جامعه‌ای که در آن می‌زیست او را به سوی رئالیسم سوق داد و اثر جالب «ژانی گل» یادگار این دوره از حیات ادبی او است. (قاضی، ۱۳۵۸: ۹) با خواندن زندگینامهٔ ابراهیم احمد می‌توان متوجه شد که او تحت تأثیر وقایع و اتفاقات سیاسی زمانهٔ خود بوده است و حیات نویسندگی‌اش را بیشتر در راستای اهداف و فعالیت‌های سیاسی به سر برده است، محمود اعتمادزاده (م.ا) به آذین، نیز، فعال سیاسی، نویسنده و مترجم نامدار معاصر ایرانی، در بیست و سوم دی ماه ۱۲۹۳ در کوی خمران چهل تن شهر رشت به دنیا آمد. (یزدانی خرم، ۱۳۸۵: ۷) به آذین در شرح حالش گفته که با اشغال خاک ایران بعد از جنگ جهانی دوم و با تأسیس حزب توده به عضویت در این حزب درمی‌آید. «من در اندیشه و احساس به جنبش

1- Karl Heinrich marx

2- Feredich Engles

کارگری پیوستم. بر همین اعتقاد، در کمتر از دو سال بر خود لازم دیدم که در پیشروترین سازمان سیاسی موجود، حزب توده کارگران نام بنویسم و به فعالیت بپردازم، و آن پس از ترک خدمتم در ارتش بود...» (اعتمادزاده، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۹) زندگی او به فعالیت سیاسی و اجتماعی و ترجمه و نویسندگی گذشت. به آذین روز چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ بر اثر ایست قلبی در بیمارستان آراد تهران درگذشت. (یزدانی خرم، ۱۳۸۵: ۷)

در این پژوهش پس از معرفی اجمالی مؤلفه‌های نقد مارکسیستی، به تحلیل و بررسی رمان *ژانی گل* و دختر رعیت بر مبنای این مؤلفه‌ها پرداخته شده است.

پرسش‌های مورد نظر این پژوهش شامل؛

- مؤلفه‌های مارکسیستی تا چه اندازه در رمان *ژانی گل* و دختر رعیت بازتاب یافته است؟

- این نویسندگان چگونه افکار و ایدئولوژی خود را در رمان نشان داده‌اند؟

فرضیات این پژوهش شامل؛

- هر دو نویسنده تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی بوده‌اند و می‌توان بسیاری از مؤلفه‌های نقد مارکسیستی را بر آثار هر دو نویسنده تطبیق داد.

- هر دو نویسنده رمانشان را وسیله‌ای برای بیان افکار و ایدئولوژی خود قرار داده‌اند.

۲. پرسش پژوهش

درزمینه رمان *ژانی گل* در میان پژوهش‌هایی که به زبان فارسی و کردی انجام گرفته است. کاظمی و دیگران (۱۳۹۹) مقاله « نمود رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات کردی: بررسی جایگاه و آثار ابراهیم احمد» را مورد بررسی قرار داده و در آن با توجه به اصول اساسی رئالیسم سوسیالیستی رمان *ژانی گل* را در ردیف رمان های رئالیسم سوسیالیستی قرار می دهد، همچنین نورزاده (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل و بررسی رمان *ژانی گل* (درد ملت) از دیدگاه رئالیسم» را مورد پژوهش قرار داده که در آن نویسنده رمان *ژانی گل* را به عنوان یک اثر رئالیستی در ادبیات کردی معرفی می کند و بیان می دارد که در این رمان تلاش نویسنده بر آن است که انسان‌ها و اوضاع و احوال جامعه را آن طور که در زندگی واقعی مردم به نظر می رسد بازگو کند، به زبان فارسی به چشم می خورد، اما به زبان کردی تا کنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. در زمینه رمان دختر رعیت پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، اما پژوهشی که رمان دختر رعیت را از منظر نقد مارکسیستی مورد بررسی قرار دهد تا کنون انجام نگرفته است. از جمله این پژوهش‌ها می توان به پایان نامه شاه حسینی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی سیر تحول عناصر داستان در رمان فارسی با تکیه بر ده رمان معروف سووشون، دختر رعیت، بره گمشده راعی، شوهر آهو خانم، ثریا در اغما، داستان یک شهر، زیبا، درازنای شب، سنگ صبور، طوبی و معنای شب» اشاره کرد که در آن به بررسی عناصر داستانی شخصیت، زاویه دید و پیرنگ و درون‌مایه در این آثار پرداخته شده است. همچنین ایزد (۱۳۹۴) در پایان نامه «واقعیت‌های تاریخی در رمان فارسی دهه‌های سی و چهل با تکیه بر چهار رمان دختر رعیت، ده نفر قزلباش، توپ و سووشون» با انتخاب چهار رمان تاریخی به نحوه بازتاب واقعیت در رمان آن‌ها می پردازد و چند و چون تحول رمان تاریخی فارسی را به تصویر می کشد.

امیری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «نقد ساختاری رمان دختر رعیت اثر به آذین» به طور خاص به مقولهٔ زمان بر اساس نظریهٔ ژنت پرداخته شده است. بدین‌وسیله علاوه بر بررسی ساختار، عناصر و ویژگی‌های زبانی و دستوری داستان، جایگاه زمان نیز از دید روایت‌شناسی در رمان مشخص گردیده است. موسوی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «نقد جامعه‌شناختی ادبیات داستانی ایران بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ با تأکید بر داستان‌های دختر رعیت، زن زیادی، به دزدی رفته‌ها، حاجی‌آقا و نامه‌ها» به بررسی این داستان‌ها پرداخته و خودآگاهی پرولتاریایی، نقش افراد روشنفکر در این خودآگاهی، حزب‌گرایی، مبارزه علیه جامعهٔ بورژوازی و انقلاب. از اندیشه‌های برگرفته از آرای لوکاچ و در مواردی گلدمن را مورد بررسی قرار داده است و فرضی و قبادی سامان (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی رمان دختر رعیت محمود اعتمادزاده بر اساس دیدگاه ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن» به بررسی روابط بین ساختارهای زیباشناختی و ذهنی سازندهٔ آگاهی جمعی موجود در رمان دختر رعیت با روش ساخت-گرایی تکوینی لوسین گلدمن پرداخته‌اند.

۳. آشنایی‌زدایی

۳-۱ نقد مارکسیستی

نقد مارکسیستی در قرن بیستم به طور جدی در عرصهٔ نقد ادبی مطرح شد. به عقیدهٔ لوکاچ، مارکسیسم هر پدیده‌ای را در بافت تاریخی و پویای آن درک و بررسی می‌کند. «مارکسیسم جستجوگر ریشه‌های مادی پدیده‌هاست؛ آن‌ها را در روابط تاریخی متحرکشان می‌نگرد، قوانین چنین تحرکی را بررسی می‌کند، تکامل آن‌ها را از ریشه تا گل نشان می‌دهد، و با چنین کاری هر پدیده‌ای را از حالت عاطفی و خردستیز و پوشیده در مه رازگرایی به در آورده، آن را در نور روشن فهم و ادراک قرار می‌دهد.» (لوکاچ، ۱۳۷۹: ۱) بنابراین دانستن تاریخ در تحلیل نوشته‌ها لازم و ضروری است. مارکسیسم، پیش از آنکه نویسندگان و منتقدان قرن بیستم از اصول و نظرات آن استقبال کنند و آن‌ها را در نقادی‌هایشان به کار گیرند، در قرن نوزدهم به منزلهٔ دیدگاهی عملگرا دربارهٔ تاریخ رونق یافته بود، دیدگاهی که فرصتی در اختیار طبقات کارگر جامعه می‌گذاشت تا دنیا و در نتیجه شیوهٔ زیستن‌شان را دگرگون سازند. مارکسیسم با فراهم آوردن نظامی فلسفی و طرحی عملی برای ایجاد تحول در جامعه، شناختی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی از ماهیت واقعیت، از جامعه و از فرد در اختیار بشر قرار می‌دهد. این نظرات و نظراتی از این دست اساس آنچه امروز با عناوین سوسیالیسم و کمونیسم می‌شناسیم، تشکیل می‌دهد. (برسler، ۱۳۹۶: ۲۲۱)

۳-۲ مفاهیم اساسی در نقد مارکسیستی

۳-۲-۱ زیربنا و رو بنا^۱

در نظریهٔ مارکسیستی با دو اصطلاح زیر بنا و روبنا روبرو هستیم. «تیروها» و «روابط» تولیدی، «ساخت اقتصادی جامعه» را تشکیل می‌دهند که در اصطلاح مارکسیستی «زیر بنا» گفته می‌شود. زیر بنا در هر مرحله

روبنایی خاص خود خلق می‌کند که همان حقوق، سیاست، دولت، فرهنگ، ادبیات و ... است، اما روبنا را عناصر دیگری از جمله «آگاهی اجتماعی» نیز تشکیل می‌دهد و مارکس آن را «ایدئولوژی» نامید. «آگاهی‌های اجتماعی» شامل آگاهی‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اخلاقی، و هنری است. ایدئولوژی همان ایده‌های مسلط طبقه حاکم جامعه است، بنابراین دلیلی برای مشروع جلوه دادن قدرت طبقه حاکم در جامعه نیز محسوب می‌شود. (ایگلتن، ۱۳۵۸: ۱۳)

۳-۲-۲ ماتریالیسم تاریخی^۱

در نقد مارکسیستی همه جریانات اجتماعی و سیاسی و فکری بر پایه ماهیت مادی است و آنچه در نقد جامعه‌شناختی مارکسیستی قابل تأمل است نگرش نویسنده به تاریخ و انعکاس آن در رمان است که نهایتاً همگی این‌ها در خدمت مادی‌گرایی تاریخ است. مارکس در جهت‌گیری روش خود که همان ماتریالیسم تاریخی است، دو عنصر دیالکتیک هگل و مادی‌اندیشی فوئرباخ را ادغام کرد. تأکید این جهت‌گیری، بر روابط دیالکتیکی در چهارچوب جهان مادی بود. (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۷)

۳-۲-۳ ایدئولوژی^۲

بنابه باور آیزیا برلین^۳ در پژوهشی که درباره متفکران روس انجام داده، هگل نخستین کسی بوده که مفهوم ایدئولوژی را پدید آورده است. «هر دسته خاصی از اندیشه‌ها از دوره یا جامعه خاصی حکایت می‌کنند، و هر اندیشه‌ای به اندیشه‌های دیگر تأثیر دارد، و عواطف و احساسات و اندیشه‌ها و ادیان و قوانین و جهان‌بینی کلی هر نسلی - خلاصه آنچه امروز «ایدئولوژی» نامیده می‌شو با رشته‌های ناپیدای بسیار به ایدئولوژی‌های زمان‌ها و مکان‌های دیگر متصل است.» (برلین، ۱۳۷۷: ۲۱۶)

۴-۲-۳ هژمونی^۴

هژمونی در لغت به معنی تسلط و چیرگی است و در اصطلاح سیاسی هم منظور چیرگی طبقه‌ای بر طبقه دیگر است. تأکید این اصطلاح بر آن است که طبقه مسلط نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی، جامعه را زیر نظر دارد، بلکه شیوه خاص نگرش به جهان و انسان و روابط اجتماعی را نیز چنان همه‌گیر می‌کند که به صورت «عقل سلیم» درمی‌آید و آنانی که زیر سلطه هستند، این نگرش را همچون پاره‌ای از «نظم طبیعی» جهان می‌پذیرند. این نظریه با دید آشنای مارکسیستی فرق دارد که کار اصلی خود را تغییر ایده اقتصادی جامعه می‌داند و بر آن است که تغییر «روبننا» بازتابی از تغییر «زیر بنا» است، بلکه از این دید، مبارزه برای «سلطه جویی» (یعنی رهبری معنوی) نخستین کار مهم است و حتی عاملی اساسی برای هر تغییر بنیادی است. (آشوری، ۱۳۸۷: ۸۷)

1- Historical Materialism

2- Ideology

3- Isaiah Berlin

4- Hegemony

۳-۲-۵ تعهد^۱

همان قدر که لوکاچ^۲ و گلدمن^۳ به ایدئولوژی و تأثیرات آن بیرون از متن توجه می‌کردند، بر عکس لنین^۴ و پلخانوف^۵ هدف ادبیات را جانب دارانه می‌دانستند و معتقد بودند که هر پدیده هنری باید در راستای اهداف حزب و طبقه کارگر باشد. در واقع آنان طرفدار بازتاب صرف واقعیت اجتماعی اثر بودند. انگلس بیان می‌دارد که به هیچ‌وجه مخالف داستان توأم با جهت‌گیری سیاسی نیست اما جانبداری و جهت‌گیری عربان را در امر هنر اشتباه می‌داند. به عقیده او جهت‌گیری و تمایل سیاسی، باید از درون وضعیت‌های تصویری بیرون بیاید، تنها با چنین شیوه غیرمستقیمی است که داستان قادر خواهد بود بر آگاهی بورژوایی خوانندگان خود اثر بگذارد و یک داستان دارای زمینه سوسیالیستی، تنها وقتی به هدف خود دست می‌یابد که روابط متقابل واقعی را آگاهانه تصویر کند، توهمات سنتی را درباره این روابط درهم بشکند، خوش‌بینی جهان بورژوایی را بهم‌ریخته و بدر تردید را نسبت به جاودانگی این نظام بیفشاند. ... با وجود همه این‌ها، خود هنرمند هیچ راه‌حلی را از زبان خود در داستان ارائه نمی‌دهد و حتی آشکارا در یک سو نمی‌ایستد. (ایگلتون، ۱۳۵۸: ۵۴)

۳-۲-۶ طبقه اجتماعی^۶

در نقد مارکسیستی به ارتباط و تعامل جامعه و ادبیات، تحت سلطه اقتصاد و بازار توجه می‌شود؛ جامعه از افراد گوناگونی تشکیل شده است که با توجه به پایگاه فکری و اجتماعی و اقتصادی‌شان در طبقات مختلفی قرار می‌گیرند. در واقع، هر گروه اجتماعی می‌تواند از لحاظ جنسی (مثلاً ادبیات بانوان)، سنی (مثلاً ادبیات کودکان)، طبقاتی (مثلاً ادبیات کارگری) تقسیم‌بندی شود که هر کدام از این گروه‌ها نیازهای فرهنگی خاص خود را دارد و نیز ادبیات مخصوص خود را به کار می‌برد. (اسکارپیت، ۱۳۷۶: ۷۳) طبقه اجتماعی در آفرینش فرهنگی و ادبی نقش قابل توجهی دارد. در واقع این طبقه از دیگر طبقات جامعه متفاوت است.

۳-۲-۷ شیء‌وارگی^۷

از مقوله‌های دیگری که در نقد مارکسیستی بدان توجه می‌شود «شیء‌وارگی» و «بت‌شدگی کالا» است. این ساختار معنادار فراگیر که لوکاچ و گلدمن آن را «شیء‌وارگی» نامیده‌اند تمامی زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و در تمامی عرصه‌ها بازتاب می‌یابد. (گلدمن، ۱۳۷۶: ۴۵) وقتی بخش اقتصادی تأثیری یک‌سویه و بیش از حد بر کل جامعه بگذارد و منجر به حذف هر گونه ادراک ارزش‌های فرافردی شود و حضور این ارزش‌ها را در مجموع زندگی اجتماعی را از بین ببرد و درستی آن‌ها را به عنوان جهل، ذهنیت محض و حتی پرت و پلا مخدوش کند. این پدیده را شیء‌وارگی می‌دانند. (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

1- Commitment

2- Georg Lukacs

3- Lucien Goldman

4- Vladimir Ilyich Lenin

5- Plekhanov Georgi

6- Social Class

7- Refication

۴. بحث

۱-۴ خلاصہ رمان ژانی گل و دختر رعیت

۴-۱-۱ خلاصہ رمان ژانی گل

«ژان» در زبان کُردی به معنای درد، درد زایمان و «گه ل» به معنی اجتماع مردم است. درد زایمان اجتماع و مراد از آن هم این است که جامعه نیز چه بسا به سان زن حامله، قهرمان یا ملتی آزاد و خوشبخت بزیاید. ژانی گل داستان زندگی «جوامر» کارمند یک اداره دولتی است که روز زایمان همسرش برای آوردن ماما از خانه خارج می‌شود، و به صورت اتفاقی به جمع تظاهرکنندگان می‌پیوندد و توسط مأموران نظامی عراق مجروح و دستگیر می‌شود و سپس به عنوان یکی از رهبران حزب زندانی و پس از ۱۰ سال آزاد می‌شود و در طی اتفاقاتی که بعد از آزادی از زندان برای او می‌افتد تصمیم می‌گیرد که به عضویت حزب «آزادی بخش» که یکی از احزاب میهنی است بپیوندد.

۴-۱-۲ خلاصہ رمان دختر رعیت

احمدگل، رعیت خانۀ ارباب است. صغری دختر کوچکش تنها کسی است که برای احمدگل مانده است؛ زیرا همسرش نرجس را چند سال پیش بر اثر بیماری از دست داده است و دختر بزرگش، خدیجه نیز در خانۀ ارباب به عنوان کلفت به سر می‌برد. احمد گل صغری را بسیار دوست می‌دارد و حاضر به جدایی از او نیست. اما یک بار که به اصرار خود صغری او را با خود به شهر و خانۀ ارباب می‌برد. حاج احمد (برادر ارباب احمدگل) تصمیم می‌گیرد که صغری را پیش خودشان نگه دارد... احمد گل به خاطر کینه‌ای که از ارباب خود به دل می‌گیرد به صف جنگلی‌ها می‌پیوندد و آن‌ها به کمک احمدگل انبار برنج حاج احمد را پیدا کرده و میان مردم گرسنه و قحطی‌زده تقسیم می‌کنند. بعد از کار احمدگل، اهالی خانۀ ارباب از صغری کناره می‌گیرند. او از پسر ارباب حامله می‌شود و پس از زایمان به دستور همسر ارباب کودک را در چاه مستراح می‌اندازند تا از رسوایی پسرش جلوگیری کند. چند روز بعد از این ماجرا همسر ارباب صغری را جواب می‌کند و او به امید این که بتواند زندگی مستقلی تشکیل دهد و از زیر بار منت ارباب بیرون بیاید خانۀ ارباب را ترک می‌کند.

۴-۲ بحث و تحلیل مؤلفه‌های مارکسیستی رمان ژانی گل و دختر رعیت

۴-۲-۱ ماتریالیسم تاریخی

۴-۲-۱-۱ ماتریالیسم تاریخی رمان ژانی گل

تولد ناسیونالیسم کُرد را به امیر بدرخان در سال ۱۸۲۰ برمی‌گرداند آن‌جا که می‌گوید: «منم که شاه کشورم، نه سلطان عثمانی - اگر او از من مقتدرتر است، در عوض من از او شریف‌ترم» (کوچرا، ۱۳۷۷: ۲۱) او در کشمکش فئودالی بین امیران کُرد و سلطان نخستین کسی است که بُعد قومیت را بر این کشمکش افزود و به عنوان پدر ناسیونالیسم کُرد در تاریخ جای گرفت. (همان) پیمان سور نخستین قرار داد بین‌المللی بود که برای

اولین بار مسئلهٔ کُرد را در سطح بین‌المللی مطرح ساخت. این پیمان میان متفقین پیروز بعد از جنگ جهانی اول، بر علیه امپراتوری عثمانی و به حمایت از جنبش ملی‌گرای کُرد بود، مادهٔ ۶۲ این پیمان پیش‌بینی می‌کند که: طرف شش‌ماه زمینه را برای «خودمختاری» محلی در مناطقی که در آن غلبهٔ جمعیت با کُردهاست فراهم کند. (همان: ۴۷) که سرایی بیش نبود. اندیشهٔ ناسیونالیسم کُردی توسط کسانی همچون؛ شیخ محمود برزنجی، در سلیمانیه (۱۹۳۲-۱۹۱۹)، قیام شیخ سعید پیران (۱۹۲۵)، قیام شیخ احمد بارزانی (۱۹۳۴-۱۹۳۱) در کردستان عراق ادامه یافت. تا اینکه در پایان جنگ جهانی دوم در اوت ۱۹۴۵ ملامصطفی بارزانی شورید، و اعلام خیزش همگانی کرد. اما پس از موفقیت‌های اولیه ناچار به عقب‌نشینی به ایران شد. و از آنجا با ۴۹۳ رزمنده به شوروری پناه گرفت. در آنجا پس از آموزش‌هایی که توسط دولت شوروی به او داده شد، در سال ۱۹۵۸ ملامصطفی به توصیهٔ شوروی و نظر مساعد عبدالکریم قاسم به عراق بازگشت. اختلافات او با حکومت قاسم به جنگ ۱۹۶۱ انجامید، کُردها و دولت عبدالکریم قاسم تا سال ۱۹۷۵ با فواصلی از آتش‌بس در جنگ ماندند. (رندل، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۸۱) جنگ کردستان با کشته شدن قاسم به دست بعضی‌ها در فوریهٔ ۱۹۶۳ متوقف شد. در سال ۱۹۶۸ قدرت در دست بعضی‌ها افتاد و صدام حسین بر مسند قدرت تکیه زد. اما ضعیف‌تر از آن بود که اقدامی علیه بارزانی‌ها انجام دهد، بنابراین ناچار به توافقی در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ با آن‌ها شد، این توافق موجودیت ملت کُرد را تصدیق می‌کرد و امتیازاتی به کُردها داده بود. (همان: ۱۸۵) اما این بار هم کُردها توسط دولت بعث مورد فریب قرار گرفته بودند، و بر سر مسئلهٔ کرکوک که یکی از مناطق نفت خیز عراق بود و حدود منطقهٔ خود مختار به توافق نرسیدند، و درگیری بین آن‌ها و نیروهای صدام حسین آغاز شد. (همان: ۲۷۲) پس از درگیری‌های فراوان بین رژیم صدام حسین و بارزانی و جلال طالبانی، صدام به تسویه حساب اساسی با کُردها پرداخت. این تسویه حساب در آوریل ۱۹۸۷ آغاز و در تمام سال ۱۹۸۸ آن را پی گرفت. «علی حسین مجید» پسر عموی صدام، فرمانده عالی کردستان گردید. ده‌ها هزار کُرد به دستور وی اعدام شدند که بسیاری از این اعدام‌شدگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند.

۴-۲-۱-۲ ماتریالیسم تاریخی رمان دختر رعیت

پس از امضای فرمان مشروطه در سال ۱۲۸۵، همه مجاهدان و مردمی که در این انقلاب سهیم بودند منتظر رفع بی‌عدالتی‌های سیاسی و اقتصادی از یک طرف و استقلال هر چه بیشتر کشور از طرف دیگر بودند. اما به توپ بسته شدن مجلس اول توسط محمدعلی شاه قاجار و انحلال مجلس دوم با التیماتیوم روسیه تزاری، امید انقلابیون و مردم بر باد رفت. «آن هنگام که مشروطه به بیراهه رفته و کشور در تب و تاب مشکلات داخلی از یک سو و دخالت خارجی از سوی دیگر می‌سوخت، جوانی تقریباً گمنام در عرصهٔ سیاسی و اجتماعی کشور به نام میرزا کوچک‌خان جنگلی از دیار گیلان نمایان شد. میرزا در زمرهٔ مشروطه‌خواهان و همراه با آزادی‌خواهان به عنوان یک انقلابی واقعی و معتقد به مبارزه علیه استبداد و استعمار پرداخت.» (فخرایی، ۱۳۵۳: ۱۰۳) خیلی زود درگیری‌های مسلحانه شروع شد. در ابتدا با حکام محلی از جمله حاکم طالش که از طرف دولت مأمور شده بود، درگیر شدند و آن را شکست دادند بعد با نیروهای قزاق جنگیدند و آن‌ها را نیز شکست دادند و از این جنگ توانستند تعداد قابل توجهی اسلحه و اسب غنیمت ببرند. با انقلاب روسیه، نیروهای قزاق از شمال ایران خارج شدند و در عوض انگلیسی‌ها پا به منطقه می‌گذارند. بنابراین انگلیسی‌ها دشمن جدید جنگلی‌ها شدند.

نهایتاً ارتش سرخ روسیه که وابسته به انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بود برای مقابله با انگلیسی‌ها و حمایت از جنگلی‌ها وارد انزلی شدند. پس از انقلاب روسیه امیدی در برخی روشنفکران سوسیال دمکرات از جمله احسان‌الله‌خان و خالو قربان بوجود آمده بود، این امید و جنگ جنگلی‌ها با امپریالیسم انگلیس سبب شد آن‌ها به همراه دار و دسته خود به نهضت جنگل بپیوندند. بنابراین موقعیت جنگلی‌ها تقویت می‌شود. در این شرایط بود که جنگلی‌ها به کمک دوستان روسی خود شهر رشت را به تصرف درآوردند و اعلام «جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران» کردند. در واقع این اولین بار بود که در ایران سلطنت را ملغی و جمهوری اعلام کردند. آبراهامیان به وجود دو جناح در نهضت جنگل اشاره می‌کند: «جناح غیر مذهبی - رادیکال و جناح مذهبی - زمین‌دار» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۰۱) که میرزا کوچک‌خان، حاج احمد کسمائی و دکتر حشمت از جناح مذهبی - زمین‌دار بودند. که هر چند با اندیشه‌های سوسیالیستی - کمونیستی آشنا بودند اما پایگاه اصلی فکری خود را از اندیشه‌های دینی و ملی می‌دانستند. از همین رو روسانی معتقد بود ویژگی شاخص فکری میرزا کوچک‌خان تأکید او همزمان بر ایرانیّت و اسلامیت بوده، اما احسان‌الله‌خان، حیدر عموآغلی از جناح غیر مذهبی - رادیکال هستند که در واقع اندیشه‌های حزب سوسیال دمکرات قفقاز را در ایران دنبال می‌کردند. (رواسانی، ۱۳۸۱: ۳۶) این دو جناح نهضت، تفسیرهای متفاوتی از چیستی عدالت، استبداد، نیروهای خارجی و حتی استراتژی‌های رسیدن به آن‌ها داشتند. این موضوع باعث ایجاد تفرقه بین دو جناح نهضت و سرانجام شکست نهضت جنگل شد.

۴-۲-۲ ایدئولوژی

۴-۲-۲-۱ ایدئولوژی در رمان ژانی گل

ایدئولوژی اصلی نویسنده در پایان داستان در میان گفت‌وگوی جوامر با نریمان بیشتر نمایان می‌شود و نویسنده با گفتن بایدهایی که از زبان نریمان نقل می‌کند:

«مادام که انقلاب در دنیا وجود داشته باشد این وضع پا برجاست و تا ظلم و استبداد هست انقلاب نیز ضرورتی مسلم است. برای دست یافتن به آزادی باید به هر نوع فداکاری دست زد و برای رسیدن به یک زندگی نو باید هر بهایی را پرداخت...» (احمد، ۱۳۵۸: ۱۷۴)

در واقع ایدئولوژی اصلی خودش را به زبان می‌آورد، سپس در قالب تمثیلی زیبا لزوم ضرورت انقلاب را برای مردمی که تحت سیطره ظلم بوده‌اند بیان می‌کند:

«انقلاب درد زایمان ملت است، و درد زایمان نیز چه در مورد زن باشد و چه در مورد ملت از اسمش پیداست که سخت و توان‌فرسا است، لذا عجیب نیست که درد زایمان یک ملت نیز همراه با درد و رنج و ریختن عرق و اشک و خون باشد... لیکن آیا در این شک و شبهه‌ای هست که به دنیا آمدن ملتی آزاد و سرفراز و خوشبخت به زحمت تحمل دردی از این آزارنده‌تر و ناگوارتر هم می‌ارزد؟» (همان: ۱۷۶)

او بدین گونه بیان می‌دارد همان گونه که تولد یک انسان متحمل درد و رنج بسیار است، تولد ملتی سرفراز و آزاد و خوشبخت هم متحمل درد و رنج و خون و اشک است.

در طول رمان با واژه‌هایی همچون؛ «رفیق» که کمونیست‌ها و چریک‌های انقلابی از آن در خطاب به یکدیگر استفاده می‌کنند، «توده» و «خلق» که کمونیست‌ها آن را به کار می‌بردند، «نهال‌های باغ اجتماع»، کتاب‌هایی با مضمون مارکسیستی همچون؛ کتاب «دیالکتیک»، اشاره به میتینگ‌هایی که توسط جوانان انقلابی

تشکیل می‌شده است، کاربرد اشعار انقلابی، انتقاد از امپریالیسم، اشاره به افکار کمونیست‌های شوروی که شراب‌خواری و مستی را از سنت‌های زشت و کثیف دوران سرمایه‌داری می‌دانسته‌اند. و نیز توصیف اعتراضات مردمی برخوردار می‌شود. تمام این موارد این حقیقت را روشن می‌سازد که؛ ابراهیم احمد به عنوان یک نویسنده که تمایلاتی کمونیستی و چپ داشته، رمانش را وسیله‌ای برای ابراز عقاید و ایدئولوژی‌اش قرار داده است.

۲-۲-۴ ایدئولوژی در رمان دختر رعیت

بیگاری و بهره‌کشی از رعیت، گرسنگی، قحطی، بیماری، نداشتن کمترین امکانات برای رفاه زندگی، نفوذ بیگانگان در امور کشور و... باعث ایجاد نهضتی به نام نهضت جنگل شد. نهضت جنگل در حکم یک حزب بوده که وظیفه‌اش آگاه ساختن توده مردم از موقعیت اجتماعی خود بوده است اما در این داستان نویسنده به دلیل تمایلات حزبی (توده کارگران) که دارای اندیشه‌های مارکسیستی و کمونیستی است، تاریخ را به نفع ایدئولوژی مصادره کرده و تصویری وارونه از شخصیت میرزا کوچک‌خان ارائه می‌دهد. او با ساختن دوگانه موهومی به نام گروه جنگل و گروه انقلاب، رفقای همفکرش را گروه انقلاب گیلان می‌خواند که احسان الله خان، خالو قربان و حیدر عموآوغلی سردمدار آن بوده، در مقابل اینان میرزا کوچک‌خان و یارانش را به عنوان گروه جنگل قرار می‌دهد.

بنابراین میرزا بر خلاف آنچه در طول تاریخ شناخته شده در این داستان با صفاتی چون؛ خودخواه، نزدیک-بین، سست‌سرشت و ریاست‌طلب شناخته می‌شود. و شخصیتی وارونه از میرزا کوچک‌خان ارائه می‌دهد: «میرزا هوای ریاست مستقل به سر داشت. شاید هم هنوز با پاره‌ای از دسته بندی‌های سیاسی تهران مربوط بود و از آنجا اغوا می‌شد. به هر حال، تسبیح در دست او به صورت هواسنج سیاسی درآمده بود. ... خودخواهی و نزدیک‌بینی او از پیشرفت کارها می‌کاست...» (اعتمادزاده، ۱۳۴۲: ۱۱۳)

۳-۲-۴ هژمونی

۱-۳-۲-۴ هژمونی در رمان زانی گل

جامعه‌ای که ابراهیم احمد توصیف می‌کند اکثریت افراد آن، کسانی هستند که دل خوشی از حکومت مرکزی به خاطر ظلم و ستم‌هایی که در حق آن‌ها روا می‌دارد ندارند، در این جامعه افراد مبارز و کسانی که عضو جنبش آزادی‌خواه هستند و به خاطر عقایدشان زندان و شکنجه شده‌اند مورد احترام و کسانی هم که به حکومت خدمت می‌کنند مورد انزجار و دارای القاب ناخوشی هستند.

احترام به مبارزین

«امثال ما اگر برای شما هزار دینار هم خرج کنیم باز نخواهیم توانست جبران خوبی‌های شما را بکنیم. شما در راه میهن جان خود را به دست کشیده‌اید، زندان دیده‌اید، از خوشی و آزادی بی‌نصیب مانده‌اید.» (احمد، ۱۳۵۸: ۳۱) رجوع شود به (همان: ۱۴ و ۱۳۷ و ۱۶۷ و ۱۷۷)

انزجار از افراد خدمتگزار به حکومت

«خدا به داد برسد، «توفیق خپل» جاسوس در این تنگ غروب به این عجله کجا می‌رفت؟ خدا می‌دانست که این سگ شکاری را به دنبال چه نخجیری رها کرده بودند؟» (همان: ۱۹) رجوع شود به (همان: ۱۳۶-۱۳۷ و ۱۴۲)

شخصیت‌های ژانی گل را می‌توانیم به دو قطب مثبت و منفی یا خوب و بد تقسیم‌بندی کنیم: خوب و بد در مفهوم و معنایی که در داستان با آن برخورد می‌کنیم، و جوامر قهرمان پروبلماتیک داستان است. لوکاچ در مقاله «روایت توصیف» از قهرمان رمان به عنوان میانجی و نقطه تلاقی نیروهای متضاد اجتماعی سخن می‌گوید و بحث اهمیت یافتن «چهره‌های مرکزی» در رمان را پیش می‌کشد و می‌نویسد: «مسئله عبارت است از یافتن چهره‌های مرکزی که همه قطب‌های مخالف جهان داستان در زندگی او به سوی هم بگریند و به این ترتیب این امکان فراهم آید که بر گرد او جهانی کامل با همه تضادهای حیاتی آن سامان بگیرد.» (لوکاچ، ۱۳۷۹: ۵۷) در حقیقت جوامر چهره مرکزی و همان انسان مسئله‌دار این رمان است که در مرکز حوادث این رمان قرار می‌گیرد و در پی احیای وضعیت موجود است و دارای اندیشه‌هایی چون؛ تلاش و مبارزه علیه ظلم و زور، متعهد و آرمان‌گرا و پای‌بند به ایدئولوژی است.

۲-۳-۲-۴ هژمونی در رمان دختر رعیت

نظام ارباب رعیتی در داستان زمینه‌ساز گرسنگی، فقر، فشار زندگی رعیتی، بحران‌های مالی و اقتصادی و خیلی چیزهای دیگر شد و این موضوع سبب پیوستن دهقانان و رعایا به فعالیت‌های سیاسی می‌شود، به طوری که افراد زیادی مانند احمد گل و رستم‌علی دست از رعیتی می‌کشند و به نهضت جنگل می‌پیوندند. احمد گل در داستان شخصیتی پویا دارد. در ابتدا فقط تابع اوامر ارباب خود است اما به مرور زمان شخصیتی مستقل پیدا می‌کند و با پیوستن به جنگلی‌ها تحولاتی در زمینه فکری او به وجود می‌آید و او را دچار دگرگونی می‌کند. بنابراین پویایی او مثبت است. نهضت جنگل در این داستان باعث خودآگاهی طبقه کارگر و پرولتاریا می‌شود و موجب می‌شود کسانی مانند احمد گل و رستم‌علی به درک جایگاه خویش در جامعه نائل آیند و سعی در مبارزه با جامعه طبقاتی کنند. احمد گل رعیتی است که زخم‌خورده ارباب خود است، به جنگلی‌ها می‌پیوندد و مبارزه با قشر ستمگر جامعه را آغاز می‌کند. او یک بار برای دیدن دخترش به شهر می‌آید آن چنان با صلابت خاطر سخن می‌گوید که زن ارباب را به وحشت می‌اندازد. رستم‌علی نیز که رعیت حاج‌احمد است، خانه اربابش را به خاطر اذیت‌های مهدی پسر ارباب ترک می‌کند و به جنگلی‌ها می‌پیوندد. و با این کار از منفعل بودنش در برابر اذیت‌های مهدی بیرون می‌آید همین خواننده را متوجه می‌کند که این قشر با پیوستن به حزب، به خودآگاهی و حقیقت رسیده است.

نمونه بارز این خودآگاهی را در این جا می‌توان مشاهده کرد: «احمد گل سربلند و با نگاه مطمئن، مانند کسی که ارزش خود را می‌دانست، ایستاده بود.» (اعتمادزاده، ۱۳۴۲: ۱۰۳) در این رمان بنابر این موارد و

1- Probelmatic hero

در رمان های رئالیستی شخصیت های داستان به دلیل پایبندی به اصول و ارزش های واقعی پروبلماتیک (مسئله‌دار) هستند و نه مسئله‌ساز.

محبوبیت گروه جنگلی‌ها در میان مردم عادی و رعیت می‌توان گفت که رهبری اصلی و سلطه سیاسی در منطقه از آن آن‌هاست.

۴-۲-۴ تعهد

۴-۲-۴-۱ تعهد در رمان زانی گل

نویسنده تعهدش را نسبت به اهدافش که جنگ و مبارزه علیه امپریالیسم است در جای‌جای کتابش نمایان می‌کند.

«این‌ها از همان روز اول که زندانی را به دستشان می‌سپارند، سعی‌شان بر این است که با تمام وسایل ممکن شرافت او را پایمال کنند و روح مقاومت را در او بکشند، برای اینکه تا عمر دارد مرعوب و سرافکنده باشد، و بال پرواز او را بشکنند تا دیگر هوای پرواز نکند، ریشه باورهای او را از بیخ و بن برکنند و غیرت و حمیت و جوانمردی را در ذات او نابود کنند، تا نه تنها مردم را از چشمش بیندازند بلکه خودش از چشم خودش هم بیفتد. ولی حسن کار در این است که این درندگان دد منش و بالا دست‌هایشان آب در هاون می‌کوبند، از سرشت آدمیزاد بی‌خبرند و از قانون تغییر و تحول آگاه نیستند. برای همین است که وقتی می‌بینند بر خلاف مقاصد پلیدشان و با آن همه درنده‌خویی و جانورصفتی که از خود نشان می‌دهند روز به روز بانگ آزادی رساتر به گوش‌ها می‌رسد و بر شماره میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان افزوده می‌شود سرسام می‌گیرند و زهره ترک می‌شوند.» (احمد، ۱۳۵۸: ۷۵-۷۶) رجوع شود به (همان: ۱۹۱ و ۱۲۱-۱۲۲ و ۱۲۶ و ۱۳۴ و ۱۳۴ و ۱۹۵-۱۹۳)

در این بخش نویسنده با تشویق به تلاش در راه آزادی و ارج نهادن به انسان‌های آزادی‌خواه و برخاستن انسان‌ها به مبارزه با ستمگران برای رهایی از یوغ آن‌ها و به دست آوردن استقلال، تعهد خود را که از اصول اساسی نقد مارکسیستی به شکلی واضح به کار برده است و رمان به عنوان یک پدیده هنری در راستای اهداف حزب عمل می‌کند.

۴-۲-۴-۲ تعهد در رمان دختر رعیت

تعهد نویسنده در داستان دختر رعیت را می‌توان در انتهای داستان زمانی که صغری منزل حاج احمد را ترک می‌کند مشاهده کرد؛ «برای صغری امکان داشت که زندگی خود را از این راه بگذراند. بله این کار شدنی بود. این تنها راهی بود که او را از بن بست می‌کشد که در آن گیر کرده بود بیرون می‌آورد. او با چابکی و پشتکار خود می‌توانست نه تنها خوراک روزانه خود را به دست آورد، بلکه کم‌کم پس‌اندازی هم بکند و رخت و اثاث‌های فراهم سازد. .. مهم این بود که از خانه ارباب از این زندان که شکوفه‌های بهار زندگی‌اش در آن پژمرده شده بود بیرون برود. پرنده‌ای که از قفس بیرون می‌پرد و به شادی بال و پر می‌گشاید. سرمست آزادی باز یافته است نه در غم آشیان تازه. زیرا چه چیز است که با کوشش آزاد به دست نیاید. صغری بی هیچ دریغ و افسوس خانه ارباب را ترک گفت و در زندگی او فصلی تازه آغاز گشت.» (اعتمادزاده، ۱۳۴۲: ۱۶۸) با خواندن این تکه از داستان، انگار چراغ‌های سینما روشن شود و نمایش به پایان برسد. داستان دختر رعیت بسیار نمایشی است. و سرانجام ما از خواندن یک رمان بسیار خواندنی پا می‌شویم و به آینده فکر می‌کنیم. این چیزی است که این کتاب به ما

می‌دهد. او در طول داستان مدام در صدد به تصویر کشیدن رنج و مشقت‌های طبقه پایین دست جامعه است، در آخر نیز راه حل نجات از بحران زندگی را در تلاش و کوشش آزاد می‌داند. از این رو «رمان دختر رعیت را می‌توان در زمره رمان‌های رسالتی - انتقادی اجتماعی نیز به حساب آورد.» (میر صادقی، ۱۳۷۹: ۴۱)

۴-۲-۵ طبقه اجتماعی

۴-۲-۵-۱ طبقه اجتماعی در رمان ژانی گل

طبقه‌های که در رمان به تصویر کشیده شده است، طبقه‌های انقلابی و معترض است که در پی احقاق حقوق از دست‌رفته خویش است و خواستار حقوق خود که شامل؛ دموکراسی، انسانیت، حقوق ملی و ملتی مستقل، و حقوقی که به یک ملت مستقل تعلق می‌گیرد، از جمله سرزمین‌شان که توسط دولت مرکزی غصب شده است هستند... بنابراین طبقه رمان ژانی گل طبقه‌های پرولتاریایی است.

«رژیمی که با ملت ما به کثیف‌ترین و بدترین درجات آزار و ایذا و غارت و ستم رفتار می‌کند و نه تنها ما را از آزادی و استقلال و زندگی انسانی و گذرانی مردانه محروم کرده است بلکه تمام تلاش خود را نیز برای نگه داشتن ما در فقر و گرسنگی و عقب‌ماندگی و بیماری و نادانی و توسری خوری بکار می‌برد...» (احمد، ۱۳۵۸: ۱۷۴) رجوع شود به (همان: ۱۶۱ و ۱۳۴ و ۱۳۱ و ۱۷۴ و ۳۵ و ۷۸)

به عقیده آگوستین تی پیری تاریخ‌دان فرانسوی، «مبارزه طبقاتی، نیروی محرک بنیادی روند تاریخ است.» تی پیری اصول مرسوم تاریخ نگاری را رد کرد و گفت که سازندگان واقعی تاریخ، نه قهرمانان و حکمرایان، بلکه مردم عادی و شرکت‌کنندگان در جنبش توده‌ها هستند.» (ساچکوف، ۱۳۶۲: ۸۰) درباره رمان ابراهیم احمد این نکته کاملاً صادق است که موضوع اثر او شرح زندگی افراد عادی در بستر رویدادهای تاریخی مهمی است که تأثیری مستقیم بر سرنوشت آن‌ها دارند و توده‌های مردم در آنها نقش عمده دارند. در رمان در بسیاری از صحنه‌ها شاهد تظاهرات مردم در میدان‌های شهر هستیم، همچنین اعتصابات و اعتراضاتی که راوی توصیف می‌کند همگی توسط توده مردم برپا می‌شود و رمان ژانی گل را باید نمونه‌ای از رمان اعتراض دانست.

۴-۲-۵-۲ طبقه اجتماعی در رمان دختر رعیت

داستان دختر رعیت بیانگر دوره‌ای از تاریخ ایران با حاکمیت نظام فئودالی بر شیوه تولید است. قسمت شمال ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و وجود زمین‌های کشاورزی، قابل تطبیق با تعاریف فئودالیسم اروپایی است که در آن زمین، نقش کلیدی را در تولید بازی می‌کند. نظام فئودالی ایجاد کننده فاصله طبقاتی است. فاصله طبقاتی را در جای‌جای رمان می‌توان مشاهده کرد:

«صغری همه این چیزهای قشنگ و رخشنده را مانند رؤیای شیرینی با دهن باز و چشمان خرسند و حیرت زده می‌دید و پس از هر چن ثانیه به خانم ارباب خیره می‌شد. این‌ها کیستند؟ چه قدر آرام و باشکوه‌اند. آرام و شکفته و فارغ از ترس‌اند. هر آن چه را که آرزو کنند در دسترس دارند. اصلاً زندگی‌شان در دنیایی که صغری و کس و کارش در آن به سر می‌برند، نیست.» (اعتمادزاده، ۱۳۴۲: ۳۰) رجوع شود به (همان: ۲۰ و ۳۷ و ۹۰ و ۱۰۷)

۴-۲-۶ شی‌وارگی

۴-۲-۶-۱ شی‌وارگی در رمان ژانی گل

نمونه‌ای از شی‌وارگی در رمان را در هنگامی که زن قهوه‌چی در پی یافتن پس‌اندازی که در قهوه‌خانه پنهان کرده بود زمانی که نیروهای رژیم بعث مشغول بمباران منطقه هستند می‌رود و جان خود را در راه آن چند سکه فدا می‌کند می‌توان یافت:

«جوامر تا چند دقیقه بر جای خود خشکش زد، سپس جسد را به پشت گرداند و دید که در مشت گره کرده زن چند سکه‌ای هست. آن دم فهمید که چه عاملی باعث مرگ او شده است: بیشک چند دیناری پس‌انداز داشتند که برای روز مبدا نگاه داشته بودند. ..» (احمد، ۱۳۵۸: ۱۵۷)

در افکار و اندیشه‌های مارکسیستی مبارزان به دنبال جامعه بی‌طبقه هستند و نیز مخالف نظام سرمایه‌داری و تبدیل شدن نیروی کار به محصول کار هستند در این نمونه‌ای که در رمان ذکر کردیم، احساس شی‌شدگی در افراد جامعه رمان و طبقه محروم جامعه به چشم می‌خورد و نویسنده از اقتصاد بیمار جامعه انتقاد می‌کند.

۴-۲-۶-۲ شی‌وارگی در داستان دختر رعیت

داستان دختر رعیت بیانگر دوره‌ای از تاریخ ایران با حاکمیت نظام فئودالی بر شیوه تولید است. در این شیوه انسان‌ها (رعیت) بنابر مالکیت طبقه بالا (ارباب) در ابزار تولید وابسته به آن‌ها می‌شوند و انسان‌ها و طبقه رعیت در خدمت تولید هستند. و نیز فرآیند تولید فقط به منظور مصرف طبقه‌ای مشخص شکل می‌گیرد.

وابستگی احمدگل به ارباب (زمین ارباب) مؤید این موضوع بوده است:

«سر حاصل، ارباب از او برنج می‌خواهد. این که شوخی نیست. باید کاشت و سهمی ارباب را داد. .. زمین مال اوست، قباله دارد. اگر یکسال چهار قوتی از احمدگل کوتاهی ببیند، هیچ کار هم اگر نکند، زمین را می‌گیرد و به دیگری می‌سپارد. رعیت که کم نیست. همه لخت، همه گرسنه، همه آماده برای کار کردن و عرق ریختن.» (اعتماد زاده، ۱۳۴۲: ۸) رجوع شود به (همان: ۵ و ۸ و ۲۳)

۵- بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مارکسیستی رمان ژانی گل و دختر رعیت

از مؤلفه‌های نقد مارکسیستی دو اصطلاح روبنا و زیربنا است. تولید و اقتصاد در زیربنا و اصل است و هنر، فرهنگ، ادبیات و... روبناست. اثر ابراهیم احمد با توجه به وضع اجتماعی خاصی که مردم کردستان عراق در آن زمان داشته است و با نداشتن هیچ‌گونه آزادی سیاسی - فرهنگی، که تنها زمینه مساعد برای رشد و پرورش ادب و فرهنگ محسوب می‌شود می‌توان گفت؛ در حد خود بالنده است. آغاز رمان نویسی در ایران با خلع رضاخان از قدرت و جانشینی محمدرضا شاه مصادف بود، در موقعیت آشفته بعد از جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران، آزادی‌های نسبی رشد یافت و مجلات و روزنامه‌ها و آثار متعددی چاپ شد. ورود متفقین به ایران با یک دوره شبه دموکراتیک همراه بود. در اثر این آزادی نسبی، فضای جامعه آماده آفرینش فرهنگی شد و روشنفکران و نویسندگان و شاعران امیدوارانه از اصلاحات و آزادی دم زدند. در این زمان است که به آذین به عضویت حزب توده درمی‌آید و نوشته‌هایش را وسیله ای برای بیان اهداف این حزب قرار می‌دهد. بنابراین

می توان گفت؛ در یک مقطع زمانی نویسنده‌ای مانند به آذین موقعیت بهتری نسبت به ابراهیم احمد برای بیان افکار و ایدئولوژی‌اش داشته است. ابراهیم احمد در رمانش به وقایع سال‌های جنگ دولت مرکزی با کردستان عراق می‌پردازد. مناطق گردنشین عراق همچون؛ موصل و کرکوک و... به دلیل نفت‌خیز و حاصلخیز بودن مورد غضب و استثمار دولت مرکزی قرار می‌گیرد، در این بین آسیب‌های زیادی متوجه طبقه ضعیف و اقلیت جامعه (کردها) می‌شود. به همین دلیل همراه گروه روشنفکران جامعه دست به قیام و اعتراض و مبارزه می‌زنند. و احزاب زیادی در این دوران شکل می‌گیرند. که حزب رهایی‌بخش (استعاره‌ای است از حزبی که نویسنده خود عضو آن بوده است) در رمان نمونه‌ای از آن‌هاست. در این رمان ایدئولوژی‌های حزب رهایی‌بخش برای خواننده به نمایش گذاشته شده است. در رمان دختر رعیت بسیاری از مسائل سیاسی و تاریخی ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۰ از جمله: نهضت جنگل و قیام میرزا کوچک‌خان، حضور روس‌ها و انگلیس‌ها در ایران و خیلی از ماجراهای تاریخی دیگر بیان شده است. به آذین در این داستان بخشی از تاریخ را برای خواننده مرور می‌کند. داستان دختر رعیت با پرداختن به جنبه‌هایی از زندگی و تاریخ و روشن کردن آن برای مخاطب به خوبی توانسته است واقعیت‌های جامعه را ملموس کند. این داستان با انگشت گذاشتن بر شخصیت‌هایی که در بطن جامعه به سر می‌برند، وقایعی را که در گوشه و کنار زندگی حضور دارند و به چشم می‌خورند و هم‌چنین بخشی از تاریخ ایران، چهره واقعی جامعه را در زمانی معین به نمایش می‌گذارد.

با بررسی ماتریالیسم تاریخی رمان ژانی گل و سلطه حکومت مرکزی عراق بر کردهای آنجا و ظلم و ستم‌هایی که بر آنها وارد می‌شود از جمله بیرون راندن کردها از مناطق نفت‌خیزی همچون؛ کرکوک و آوردن عرب‌ها در مناطق حاصلخیز آن‌ها و تبعید کردها به مناطق بی آب و علف مهاری، همه و همه بر زندگی اقتصادی آن‌ها تاثیرگذار بوده است و این اوضاع اقتصادی و روابط اجتماعی و استثماری که از سوی دولت مرکزی بر آن‌ها وارد شده بود، بر ایدئولوژی و سیاست مردم منطقه و نویسنده مؤثر بوده است. به گونه‌ای که ایدئولوژی اصلی آن انقلاب و برخاستن علیه حکومت مرکزی بوده است. با بررسی ماتریالیسم تاریخی رمان دختر رعیت متوجه می‌شویم که؛ مردم و طبقه رعیت از سیستم اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه ناراضی بوده‌اند، در داستان دختر رعیت، میانجی، فاصله طبقاتی و نظام ارباب - رعیتی و اجزای آن، فقر، گرسنگی رعیت، بیگاری و بهره‌کشی از رعیت و... است. عدم خودآگاهی طبقه رعیت فرصتی بود تا ارباب‌ها از رعیت خود همچون برده، بهره‌کشی کنند، بدون آن‌که سرنوشت آن‌ها برایشان اهمیتی داشته باشد. نهضت جنگل خود در حکم محرکی است که با جذب افراد و آگاه ساختن آن‌ها، اعضای خود را دعوت به مبارزه با حاکمیت ستمگر می‌کند. درون - مایه‌هایی همچون؛ ایستادگی و مبارزه علیه نابرابری، بی‌عدالتی، ناملایمات و در کنار آن پرداختن به تلاش برای دستیابی و رسیدن به آزادی بی‌قید و بند همگی از جمله درون مایه‌هایی است که به خوبی در طول رمان به آن توجه شده است. تعهد نویسنده در رمان ژانی گل از زبان شخصیت‌های داستانی او همچون: کاوه و نریمان بیان می‌شود؛ که رستگاری افراد را در رستگاری ملت می‌دانند و تلاش در جهت مبارزه با امپریالیسم را وظیفه تک افرادی می‌دانند که رستگاری ملت وابسته به آن‌هاست. محمود اعتمادزاده در پایان داستانش و اشاره به سرنوشت صغری ما را به این حقیقت رهنمون می‌کند که؛ آزادی و زندگی آزادانه به مراتب بهتر از بردگی است. بنابراین رسالت خود را به عنوان یک نویسنده متعهد انجام می‌دهد. تلاش برای مبارزه، یکی از فرمول‌های اصلی رمان کمونیستی است در رمان ژانی گل اتفاقاتی که در طی داستان برای قهرمان داستان (جوامر) رخ

می‌دهد و آگاهی پیدا کردن قهرمان داستان در اثر اتفاقات و حوادثی که برای او رخ می‌دهد، او را به سمت و سوی مبارزه می‌کشاند و ابراهیم احمد توانسته است قهرمان اصلی داستان را به عنوان یک شخصیت آرمان‌گرا به خواننده‌اش معرفی کند. در رمان دختر رعیت افراد زیادی مانند احمدگل دست از رعیتی می‌کشند و به نهضت جنگل می‌پیوندند احمدگل با اینکه نقش بسیار کمی در داستان دارد اما مهم‌ترین و مؤثرترین آدم در داستان «دختر رعیت» است. گویا به‌آدین یک شخصیت آرمان‌گرا در ذهن داشته است؛ یک شخصیت آرمان‌گرای واقعی که به شیوه‌ای کاملاً معمولی مجذوب آرمان می‌شود. احمدگل، این شخصیت آرمانی اوست. احمدگل با قربانی شدن دو دخترش که به بردگی به خانه ارباب رفته‌اند و زنی که عمری در خانه اربابی کلفتی کرده است. بیش از هر کس طعم تلخ بردگی را می‌داند بر اساس محتوای داستان «دختر رعیت» معلوم می‌شود که صورت و محتوای داستان جریانی است دوباره و نشانگر تعلقات ذهنی متضاد نویسنده: هم از طریق بازنمایی زندگی کلفتی در خانه ارباب، مضامین «پراکنده» را تکرار می‌کند و هم با پرداختن به مبارزات دهقانی، اشتیاق خود را به ادبیات اجتماعی به نمایش می‌گذارد؛ بی آنکه بتواند با برقراری رابطه هماهنگ و ظریف بین این دو مضمون، رمانی با ترکیب‌بندی یکدست پدید آورد. می‌توان گفت که محمود اعتمادزاده در به تصویر کشیدن شخصیت آرمانی خود به عنوان یک نویسنده آرمان‌گرا بنا بر دلایلی که بیان شد موفق نبوده است. طبقه اجتماعی رمان ژانی گل داستان زندگی افرادی است که در سطوح پایین جامعه زندگی می‌کنند. طبقه‌ای که تحت ظلم و سلطه و استثمار حکومت مرکزی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه هستند. این افراد از کمترین امکانات بهره‌مندند و بعضی از آن‌ها اصلاً امکاناتی ندارند. اکثریت افراد این جامعه را طبقه زحمت‌کش و پرولتاریا تشکیل می‌دهد که به واسطه حزب و روشنفکرانی که عضو آن هستند، در تلاش برای احقاق حقوق از دست‌رفته‌شان و در مرحله بعد اصلاح جامعه هستند. طبقه اجتماعی رمان دختر رعیت طبقه رعایا هستند که در سراسر داستان فقر و رنج کشیدنشان به چشم می‌خورد رعایایی که هیچ اختیاری از خود ندارند و مطیع اوامر ارباب هستند. ظلم و سنگدلی ارباب نسبت به دهقانان و کشاورزان که وضعیت بد و نامساعد آن‌ها را دو چندان می‌کند از دیگر مصیبت‌های اجتماعی داستان است. ابراهیم احمد نویسنده‌ای است که از مسئله هویت فردی اشخاص به خوبی آگاهی داشته است. او اصرار دارد تا بگوید قهرمانش کاملاً ناخواسته وارد دنیای سیاست می‌شود. و هدفش این است که به خواننده بفهماند قهرمان داستان که در پایان داستان به عضویت حزب آزادی‌بخش درمی‌آید در ابتدا شناخت زیادی از آن نداشته است. در واقع باید گفت امکان شناخت واقعیت حزب وجود نداشته است، اما در طی اتفاقاتی که برای جوامع رخ می‌دهد و آشنایی‌اش با افراد سرشناس حزب با آن آشنایی پیدا می‌کند و در نهایت به آن می‌پیوندد. جوامع قهرمان پرولماتیک است که در طی اتفاقاتی که در طی داستان برای او رخ می‌دهد به خاطر آرمان و اهدافش به مبارزه برمی‌خیزد. جوامع قبل از آنکه به زندان بیفتند شخصیتی خنثی و بی‌طرف دارد که طرفداری از هیچ حزب و گروهی را نداشته است. اما بعد از آنکه از زندان آزاد می‌شود و ماجراها و حوادثی که برای او رخ می‌دهد و آشنایی بیشتر با افراد و اهداف حزب به مرور تبدیل به آدم عملگرایی می‌شود و به عنوان انسانی هدفی‌دار در رمان معرفی می‌شود. اما در رمان دختر رعیت نقض داستان در صحنه‌پردازی حوادث تاریخی این امکان را به خواننده نمی‌دهد تا متوجه شود که چه احساسی باعث پیوستن احمدگل و رستم‌علی به جنگلی‌ها شده است. احمدگل اولین شخصیتی است که در داستان وارد می‌شود. شخصیت او در ابتدای داستان حضور دارد، بعد از مدتی از داستان خارج می‌شود؛ اما دوباره در پایان داستان حضور می‌یابد و

بعد از انجام دادن عملی - تاراج انبار حاج آقا - دوباره از داستان بیرون می‌رود و سرانجام نیز در داستان روشن نمی‌شود که چه اتفاقی افتاده است و در شخصیتی مانند احمدگل چه تحولی رخ داده است که به نهضت جنگل و جنگلیان می‌پیوندد در اصل بیداری آدم‌ها در برخورد با مشکلات زندگی، ناگهانی و خلق‌الساعه است و این یکی از نقاط ضعف داستان اعتمادزاده است.

در کل می‌توان گفت؛ در *رمان ژانی گل* - ویژگی‌های رمان‌های مارکسیستی - سوسیالیستی و مفاهیمی همچون؛ دفاع از حقوق افراد پایین‌دست جامعه، مبارزه با امپریالیسم و خرده بورژوا، جنگ، انقلاب، پرداختن به تاریخ و ویژگی افکار رهبران انقلاب‌ها آن را اثری در حیطه سوسیالیستی - کمونیستی قرار می‌دهد و دختر رعیت اعتمادزاده به دلیل پرداختن به مسائلی همچون؛ نهضت جنگل، نظام ارباب رعیتی و بهره‌کشی از افراد و قیام دهقانان علیه صاحبان سرمایه در ردیف رمان‌های مارکسیستی - سوسیالیستی قرار می‌گیرد.

نتیجه گیری

با شکل‌گیری حزب توده در ایران و حزب دمکرات در کردستان عراق بسیاری از نویسندگان و روشنفکران ادبیات فارسی و کردی تحت تأثیر این احزاب و اندیشه‌های آنان قرار گرفتند، هر دو حزب از جهت بعضی افکار و ایدئولوژی به غیر از اندیشه ناسیونالیست کردی به هم شباهت دارند و هر دو به گونه‌ای تحت تأثیر افکار مارکسیستی و کمونیستی بوده‌اند. *رمان دختر رعیت و ژانی گل* تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی نوشته شده است و در این پژوهش توانستیم بسیاری از مؤلفه‌های نقد مارکسیستی را بر هر دو رمان تطبیق دهیم، فرم هر دو رمان برگردانی از اوضاع سیاسی، تاریخی و اجتماعی زمانه خود هستند که به توصیف جامعه، تاریخ و سیاست می‌پردازند. هر دو اثر به دلیل اینکه جزو رمان‌های واقع‌گرا هستند به خوبی توانسته‌اند بازتاب زمانه خود باشند و برشی از زندگی و ایدئولوژی حاکم در یک مقطع زمانی را به نمایش بگذارند. ایدئولوژی‌هایی چون تلاش برای زندگی آزادانه و سر به بردگی نسپردن در *رمان دختر رعیت* و لزوم ضرورت انقلاب و تلاش در راه آزادی در جامعه‌ای که تحت ظلم قرار گرفته در *رمان ژانی گل* به چشم می‌خورد. به آذین به قصد نشان دادن واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، بیان افکار و ایدئولوژی خود؛ در داستانش از شخصیت‌های واقعی تاریخ که از زندگی و تجربه خود نویسنده سرچشمه می‌گیرند کمک می‌گیرد، در واقع شخصیت‌پردازی به آذین زایدده جست و جوی او در زندگی واقعی و تبدیل پدیده‌های آن به شخصیت‌های داستانی است اما ابراهیم احمد برای این مهم به تمثیل پناه می‌برد و حزب‌رهای بخش و افراد آن نماد و تمثیلی است از گروه و حزبی که ابراهیم احمد عضو آن بوده است و نویسنده در قالب تمثیل ایدئولوژی حزبی خود را به نمایش می‌گذارد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- تولید و اقتصاد، زیر بنا و اصل است و هنر، فرهنگ، ادبیات، مذهب، اخلاق، زندگی معنوی و آگاهی اجتماعی و هر آنچه غیر از اقتصاد است، روبناست.
- ۲- اصطلاح هژمونی را اولین بار آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci)، مارکسیست قرن بیستم، به کار برد.

۳- پروبلماتیک از بر ساخته‌های لوگاک است که از مفاهیم اساسی گلدمن محسوب می‌شود که ترجمه آن به تعبیری «مسئله‌دار» است نه مسئله‌ساز که برای پرهیز از هر گونه بدفهمی می‌گوید: اصطلاح شخصیت پروبلماتیک را نه به معنای فرد مسئله‌ساز بلکه به معنی شخصیتی به کار ببریم که زندگی و ارزش‌هایش او را در برابر مسائل حل‌نشدنی که نمی‌تواند آگاهی روشن و دقیقی از آن‌ها به دست آورد؛ قرار می‌دهد. از دیگر ویژگی‌هایی که گلدمن برای شخصیت پروبلماتیک برمی‌شمرد؛ عبارتند از: بی‌آینده، گرایش به ارزش-های مصرف در جامعه که ارزش مبادله حاکم است. قرار گرفتن در حاشیه جامعه، پیروی از ارزش‌های کیفی و سرانجام منتقد و مخالف جامعه.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، *دانشنامه سیاسی*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر مروارید.
- احمد، ابراهیم (۱۳۵۸) *زانی گل*، ترجمه محمد قاضی و احمد قاضی، تهران: نگاه.
- اسکارپیت، روبر (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی و ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- اعتمادزاده، محمود (م.ا.به آذین) (۱۳۴۲)، *دختر رعیت*، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیل.
- ایگیلتون، تری (۱۳۵۸)، *مارکسیسم و نقد ادبی*، ترجمه محمد امین لاهیجی، تهران: نشر کار.
- برسلر، چارلز (۱۳۹۶)، *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه مصطفی عابدینی‌فرد، چاپ چهارم، تهران: نیلوفر.
- برلین، آیزایا (۱۳۷۷)، *متفکران روس*، ترجمه نجف دریابندری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- رندل، جان‌تان (۱۳۸۷)، *با این رسوایی چه بخشایشی*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانیند.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۱)، *نهضت جنگل*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ریتز، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- ساجکوف، بوریس (۱۳۶۲)، *تاریخ رئالیسم*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، چاپ اول، تهران: تندر.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۶۲)، *سردار جنگل*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کوچرا، کریس (۱۳۷۷)، *جنبش ملی کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- گلدمن، لوسین (۱۳۸۲)، *نقد تکوینی*، ترجمه محمد تقی غیائی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی ادبیات و دفاع از جامعه‌شناسی رمان*، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ نخست، تهران: هوش و ابتکار.
- لوکاک، جورج (۱۳۸۰)، *نظریه رمان*، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران: نشر قاصد.
- لوکاس بلانچارد، جورج (۱۳۷۹)، *نویسنده - نقد - فرهنگ*، ترجمه اکبر معصوم بیگی، چاپ اول، تهران: نشر دیگر.
- میرصادقی، میمنت (ذوالقدر) (۱۳۷۹)، *رمان‌های معاصر فارسی*، تهران: نیلوفر.
- ولک، زنه (۱۳۷۵)، *تاریخ نقد جدید*، ترجمه سعید ارباب شیرانی، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نیلوفر.

مقالات و پایان نامه‌ها

- امیری، مریم (۱۳۹۳)، «نقد ساختاری رمان دختر رعیت اثر به آذین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، گروه زبان و ادبیات فارسی.
- ایزد، راضیه (۱۳۹۴)، «واقعیت‌های تاریخی در رمان فارسی دهه‌های سی و چهل با تکیه بر چهار رمان دختر رعیت، ده نفر قزلباش، توپ و سووشون»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، گروه زبان و ادبیات فارسی.
- شاه حسینی، محمد (۱۳۹۶)، «بررسی سیر تحول عناصر داستان در رمان فارسی با تکیه بر ده رمان معروف سووشون، دختر رعیت، بره گمشده راعی، شوهر آهو خانم، ثریا در اغما، داستان یک شهر، زیبا، درازنای شب، سنگ صبور، طوبی و معنای شب» پایان‌نامه دکتری، دانشگاه سمنان، گروه زبان و ادبیات فارسی.
- فرزی، حمیدرضا و قبادی سامیان پریسا (۱۳۹۲)، «بررسی رمان دختر رعیت محمود اعتمادزاده بر اساس دیدگاه ساخت-گرای تکوینی لوسین گلدمن»، فصلنامه بهارستان سخن، سال نهم، شماره ۲۱، ص ۱-۲۲.
- فوتوگرافی، ناصر (۱۳۸۵)، «مروری اجمالی بر زندگی محمود اعتمادزاده» چیستا، ش ۲۳، ص ۷۲۴-۷۳۱.
- قادر مام‌صالح، کمال (۱۳۹۸) «بررسی احوال و آثار ادبی ابراهیم احمد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد سنندج، گروه زبان و ادبیات فارسی.
- کاظمی، بهار؛ احمدی، جمال؛ قوامی، بدریه و بزروی، رضا (۱۳۹۹) «نمود رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات کردی: بررسی جایگاه و آثار ابراهیم احمد»، پژوهشنامه ادبیات کردی، سال ششم شماره ۲، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۷-۳۳.
- موسوی، فاطمه (۱۳۹۲)، «نقد جامعه‌شناختی ادبیات داستانی ایران بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ با تأکید بر داستان‌های زن زیادی، به دزدی رفته‌ها، حاجی آقا و نامه‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان، گروه زبان و ادبیات فارسی.
- نورزاده، مهناز (۱۳۹۳)، «تحلیل و بررسی رمان ژانی گل (درد ملت) از دیدگاه رئالیسم»، دومین کنفرانس بین‌المللی آینده پژوهی، مدیریت توسعه اقتصادی، صص ۱-۱۳.
- یزدانی خرم، مهدی (۱۳۸۵)، خداحافظ رفیق، ۱۷ روزنامه شرق، شماره ۷۷۷.

Reference

- Abrahamian, Parvand (2005), **Iran between Two Revolutions**, translated by Kazem Firoozmand et al., Tehran: Markaz Publishing
- Ashouri, Dariush (2008), **Political Encyclopedia**, 16th edition, Tehran: Morvarid Publishing.
- Ahmad, Ebrahim (1979) **Jani Gal**, translated by Mohammad Ghazi and Ahmad Ghazi, Tehran: Negah.
- Scarpit, Robert (1997), **Sociology and Literature**, translated by Morteza Katabi, second edition, Tehran, Samat.
- Etemadzadeh, Mahmoud (M.A beh Azin) (1963), **The Daughter of a Peasant**, Second Edition, Tehran: Nil Publications
- Eagleton, Terry (1979), **Marxism and Literary Criticism**, translated by Mohammad Amin Lahiji, Tehran: Kar Publishing.
- Bresler, Charles (2017), **An Introduction to Theories and Methods of Literary Criticism**, translated by Mostafa Abedinifard, fourth edition, Tehran: Niloufar.

- Berlin, Isaiah (1998), **Russian thinkers**, translated by Najaf Daryabandari, second edition, Tehran: Kharazmi.
- Randall, Jonathan (2008), **What forgiveness with this scandal**, translated by Ebrahim Younesi, Tehran: Paniz Publishing.
- Ravasani, Shapoor (2002), **Jungle Movement**, Tehran: Cultural Research Office.
- Ritz, George (1995), **Theory of Sociology in Contemporary Times**, translated by Mohsen Thalasi, second edition, Tehran: Scientific Publications.
- Sachkov, Boris (1983), **History of Realism**, translated by Mohammad Taghi Faramarzi, first edition, Tehran, Thunder.
- Fakhraei, Ebrahim (1983), **Sardar Jangal**, Tehran: Cultural Research Office.
- Kochra, Chris (1998), **The Kurdish National Movement**, translated by Ebrahim Younesi, second edition, Tehran: Negah.
- Goldman, Lucien (2003), **Developmental Criticism**, translated by Mohammad Taghi Ghiasi, first edition, Tehran: Negah Publishing Institute.
- Goldman, Lucien (1997), **Sociology of Literature and Defense of Sociology of Novel**, translated by Mohammad Jafar Pooyandeh, first edition, Tehran: Intelligence and Initiative.
- Lukacs, George (2001), **Novel Theory**, Translated by Hassan Mortazavi, First Edition, Tehran: Story Publishing.
- Lucas Blanchard, George (2000), **Author-Criticism-Culture**, translated by Akbar Masoum Beigi, first edition, Tehran: another publication.
- Mirsadeghi, Meymant (Zolghadr) (2000), **Contemporary Persian Novels**, Tehran: Niloufar.
- Volk, René (1996), **History of New Criticism**, translated by Saeed Arbab Shirani, Volume 3, First Edition, Tehran, Niloufar.

Articles and dissertations

- Amiri, Maryam (2014), "Structural Critique of the Novel of the Peasant Girl by Azin", Master Thesis, Al-Zahra University, Department of Persian Language and Literature.
- Izad, Raziéh (2015), "Historical facts in the Persian novel of the thirties and forties based on four novels of the slave girl, ten people Ghezelbash, Top and Suvushon", Master Thesis, Kharazmi University, Department of Language and Persian the literature.
- Shah Hosseini, Mohammad (2017), "Study of the evolution of story elements in Persian novels based on ten famous novels Suvshun, serf girl, lost lamb Rai, deer husband, Soraya in a coma, the story of a city, beautiful, long night, stone Saboor, Touba and the Meaning of the Night »PhD Thesis, Semnan University, Department of Persian Language and Literature
- Farzi, Hamidreza and Ghobadi Samian Parisa (2013), "A Study of Mahmoud Etemadzadeh's Daughter's Novel Based on Lucien Goldman's Developmental Constructivist Perspective", Baharestan Sokhan Quarterly, Ninth Year, No. 21, pp. 1-22.
- Photography, Nasser (2006), "Overview of Mahmoud Etemadzadeh's life" Chista, p. 230, pp. 724-731
- Qader Mammalsaleh, Kamal (2019) "Study of the situation and literary works of Ebrahim Ahmad", Master Thesis, Sanandaj Azad University, Department of Persian Language and Literature.

- Kazemi, Bahar (2016) "The Manifestation of Socialist Realism in Kurdish Literature: A Study of the Status and Works of Ebrahim Ahmad", Journal of Kurdish Literature, Year 6, Issue 2, Series 10, Fall and Winter, pp.17-33
- Mousavi, Fatemeh (2013), "Sociological Critique of Iranian Fiction Literature between 1320-1332 with Emphasis on the Stories of Many Women, The Stolen, Hajie Agha and Letters", B.Sc. Thesis Senior, Semnan University, Department of Persian Language and Literature.
- Nourzadeh, Mahnaz (2014), "Analysis and Study of Janigel's novel (Nation's Pain) from the Perspective of Realism", 2nd International Conference on Futurology, Economic Development Management, pp.1-13
- Yazdani Khoram, Mehdi (2006), Khodahafez Rafiq, 17 Shargh Newspaper, No. 777.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کاظمی بہار، قوامی بدریہ، بررسی تطبیقی مؤلفہ